



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

IJAAS 2019; 1(2): 67-73

Received: 05-08-2019

Accepted: 08-09-2019

روابط ادبی _ فرهنگی بدخشان و هندوستان

عادلہ انوری

عادلہ انوری

پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استاد
ربانی

چکیده

روابط ادبی _ فرهنگی به عنوان پل اتصال در هر کشوری دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. با نگاشتن سطور از لایه‌های کتب می‌توان تا حدوی به پیوند ادبی _ فرهنگی بدخشان و هندوستان دست یافت. کشور افغانستان و هندوستان روابط خیلی عمیق دارند. مردمان این دو کشور از روزگار قدیم تا امروز به نحوی از انحا روابط ادبی _ فرهنگی خویش را برقرار نموده تا امروز مستحکم نگهداشته اند. بدخشان یکی از ولایت‌های کشور است که در تداوم تاریخ با هندوستان روابط ادبی- فرهنگی داشته؛ برخی از شاعران بدخشی به هندوستان سفر کردند و دوباره به بدخشان آمدند، یعنی مدت کوتاهی در هند بودند. تعداد دیگر در هند تولد شدند مثل متولی ابراهیم؛ اما این شاعران، بدخشی تخلص می‌کردند. گروه دیگر بخشی از عمر خویش را در بدخشان و قسمت دیگر را در هند گذرانیدند، مثل ملاشاه، محمد افضل، محمد جمیل، اسلام خان والا، سیف خان، محمود بیگ فارغ، میر الهی، همت خان و تعداد دیگر که نیمه نخست عمر شان را در بدخشان و نیمه دوم را در هند (کشمیر) سپری کردند. موجودیت اسماعیلیان پونه نیز زمینه‌ی برای کشتانیدن مردمان اسماعیلی مذهب بدخشان به پونه گردید که در تحکیم روابط ایشان بی‌تأثیر نبود. شاعران مغلی هند در تشویق شاعران سخاوتمندانه مبادرت ورزیدند و چون مقناطیس سریع السیر حلقه‌ی از ادبا را به سوی خود مجذوب کردند؛ جلال اکبر، ابوالفتح و تعداد دیگر در هند، شاعران را تشویق و ترغیب کردند و تعدادی از ایشان به امیرالبحری و وظایف دربار گماشته شدند که ثبوتی بر ادعای پیوند ادبی _ فرهنگی بین بدخشان و هندوستان است.

مولانا نیازی بدخشانی، شیخ خلیل الله بدخشی، مولانا عبدالصمد، مولانا رونقی، میر آگه بدخشانی شاعرانی اند که از بدخشان به هند رفته، نام‌های ایشان در لایه‌های تذکره‌ها و کتب تاریخی درج گردیده تا روزگار ما رسیده است.

به استناد شواهد و مدارک، دلایل روابط ادبی _ فرهنگی بدخشان عبارت است از موقعیت جغرافیایی، بدخشان، شاهان ادب پرور هندوستان و بازار گرم شاعران و نویسندگان در هند، ایجاد سبک جدید و طبع آزمایی شاعران بدخشی، توقع شاعران به فضای امن، روابط بدخشان و تیموریان، جدال شاه صفوی و امثال آن.

مضامین شعر این شاعران را بیشتر موضوعات پند، حکمت، بیان حوادث، واقعات، شرح مناظر طبیعت و شکایت از زندهگی ناهنجار تشکیل می‌داد.

به استناد ابیات شعری نیز می‌توان روابط بدخشان و هندوستان را به اثبات رسانید:

کوه ماران به کمر لعل بدخشی دارد این چنین بخت کجا تخت سلیمان دارد (ملاشاه)

کشمیر مگو، روضه رضوان است ای خلدیست که پر لال و ریحان است این

ای دل و گرم یاد بدخشان بدهی نعم البدل ملک بدخشان است این (جمیل بدخشی)

تذکره‌های متعدد نیز روایتگر روابط فرهنگی بدخشان و هندوستان است. در تذکره‌های حسن نثاری، ریاض العارفین از رضاقلی هدایت، تذکره «مرآة الخیال» از شیر خان ابن علی احمد خان، تذکره «کلمة الشعراء» محمد افضل سرخوش، «نشتر عشق» حسین قلی خان عظیم آبادی، تذکره «شمع انجمن» تألیف حسن خان، «تذکره روز روشن» از حسین صبا، «نشتر عشق» حسین قلی خان عظیم آبادی، تذکره «چراغ انجمن» عبدالحکیم رستاقی و دیگر تذکره‌ها و کتب تاریخی موضوعات و معلوماتی

Corresponding Author:

عادلہ انوری

پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استاد
ربانی

2- اثبات این روابط بر استناد شواهد و مدارک
نوع تحقیق: کتابخانه‌یی

سوالات تحقیق

- 1- آیا میان بدخشان و هندوستان روابط ادبی- فرهنگی برقرار بوده است؟
- 2- آیا آفرینش گران فارسی زبان در جغرافیای هندوستان رفت و آمد داشته، مورد اعزاز و اکرام شاهان و فضلالی هندی قرار گرفته اند؟
- 3- آیا استنادی بر این روابط وجود داشته که تذکره ها بر آن صحه گذاشته است؟

پیشنه تحقیق: در رابطه به روابط ادبی - فرهنگی بدخشان و هندوستان محققان کمابیش تحقیقاتی انجام داده اند از جمله می توان از این آثار نام برد: تاریخ روابط بدخشان با هندوستان از حبیبوف، امیر بیگ که به صورت مفصل در این مورد تحقیق نموده است. مرحوم پوهاند سرور همایون نیز در رابطه به تاریخ و ادبیات بدخشان بحث‌هایی دارد. به همین‌گونه کتاب دیگری تحت عنوان تاریخ بدخشان نیز قابل دسترس است؛ در این تحقیق نیز از منابع ذکر شده و منابع مرتبط دیگر استفاده شده است.

مقدمه

ادبیات پارسی دری در نیمه سده شانزدهم و هفدهم تا هندوستان راه پیمود و در آنجا شاعران پارسی سرا را به خود همچو مقناطیس سریع و الجش به سوی خو کشاند که قلم به دستان بدخشان نیز از این قوه جاذب بی‌بهره نمانده به زودی در حلقه شاعران هندوستان راه یافتند. این گرایش و سفر، ژرفای پیوند فرهنگی بدخشان و هندوستان را تا امروز مستحکم و پا برجا قوت بخشید.

نخست لازم به یادآوریست که در مورد بدخشان معلومات مختصر ارایه گردد. بدخشان در «معجم البلدان» از یاقوت حموی نام بدخشان به شکل «بدخشان» نگاشته شده است و در فاصله اوایل سده دهم الی اواخر سده دوازدهم هجری بدخشان مرکز داد و ستد تجاری، روابط اقتصادی و سیاسی میان آسیای شرقی و مرکزی و کشور ایران و هندوستان و چین بود.

«بدخشان بیشتر (بدخشان) یا ذال معجه و گاهی در اصطلاح دیوانی (بدخشانیان) خوانده می‌شود» ناحیه‌یی بر ساحل چپ علیای آمو دریاست و دو صفت بدخشانی و بدخشی نیز مشتق از همین نام است (ماکوارت) معنای واژه «بدخش» یا «بلخش» را نوعی یاقوت دانسته که صرف در کوچه بدخشان پیدا می‌شود؛ ممکن «Balais» در زبان فرانسوی و «Balas» انگلیسی شکل لهجی «بلخش» باشد که بعداً به معنای یاقوت به کار رفته است (بدخشی، 1367، ص 12 مقدمه).

فرهنگ بدخشان به روایت ناصر خسرو قبادیانی بلخی یمگانی مؤلف «جامع الحکمین» شاعر روستا نشین و نوستالوژیست در سطح والایی از پیشرفت به درخشش درآمده بود به نقل از ناصر خسرو در این اثر، « امیر بدخشان عین الدوله والدین و زین اله و شمس الاعلا ابوالمعالی علی بن اسد در این معنی گوید:

فخر دانا به دانش و ادب است فخر نادان به جامه و سلب است
ادب و دانش از ادیب اکنون خوار، و رچند مرد با ادب است»
(حبیبوف، 1397، ص 9)

در رابطه شاعران و روابط بدخشان و هندوستان تذکر یافته که روابط فرهنگی این دو سرزمین را به اثبات می‌رساند. یکی از آثار خیلی مهم و باارزش کتاب تاریخ بدخشان است و در این تحقیق به استناد بحث‌های استاد فقید سرور همایون عضو دیپارتمنت پارسی دری پوهنتون کابل به این سطور پر بها برخوردیم که تاریخ بدخشان تألیف محمد رضای بدخشی است که افضل علی بیگ سرخ افسر مؤلف کتاب را به صورت دقیق تشخیص نکرده، آن را به سنگ محمد که شاید یکی از منابع محمد رضای بدخشی باشد، نسبت داده است. بعد از او، یل‌دیرف نیز اشتباه او را تعقیب کرده کتاب تاریخ بدخشان را به نام سنگ محمد بدخشی دانسته است. این استاد فقید (سرور همایون) می نویسد: «نویسنده این سطور این روشنی را در تاریخ بدخشان انداخته است؛ زیرا تاریخ بدخشان اصلی محمد رضای بدخشی را در سفر بدخشان خود کشف نمود و برا اثر مقایسه هر دو کتاب به این نتیجه رسید که سرخ افسر و یل‌دیرف در تثبیت مؤلف تاریخ بدخشان سهو نموده اند».

مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدخشان در سده های شانزدهم و هفدهم به صورت وسیع انکشاف یافت و پنجاه فیصد شاعران حوزه ادبی کشمیر و حیدرآباد متشکل از شاعران بدخشی بود. امرا و حاکمان بدخشان از طرف بابر و سلاله او تعیین می‌شد و بازار تجارت کالا و خوراکه نیز از هند و چترال (فعللاً مربوط پاکستان است) بود این مناسبات باعث شد تا واژه های انگلیسی و هندی در بدخشان انتقال شود به طور خلاصه سبک و اصول ادبیات قرن شانزدهم، هفدهم و هژدهم محصول دو سرزمین است این روابط در رنگ و رونق دادن و مروج شدن ادبیات هر دو طرف نقش بسزا داشت، چنانچه سبک بیدل تأثیر خاص بر شاعران دیگر داشت. در کل می‌توان گفت که روابط دوجانبه ادبی _ فرهنگی بدخشان و هندوستان از سالیان متمادی برقرار بوده تا امروز با افغانستان در کل ادامه دارد. این همه شواهد و اسناد بیانگر روابط تنگاتنگ میان بدخشان و هندوستان است. از جانب دیگر هرچه ژرف‌تر بنگریم عمیق‌تر درمی‌یابیم که روابط ادبی، اقتصادی، سیاسی و ... خواهی نخواهی راهی برای تأثیر گذاری و تأثیر پذیری بین بدخشان و هندوستان بوده، در نتیجه آثار علمی و ادبی، معماری، هنری، موسیقی دوره پادشاهی بابر و بعد از او، محصول دستان سحر آفرین هنرمندان بدخشان و هندوستان است.

واژه‌های کلیدی: روابط ادبی- فرهنگی بدخشان و هندوستان، سفر شاعران بدخشی به هندوستان، استناد ادبیات شاعران، روایت تذکره ها و کتب تاریخی

بیان مسأله: بیشتر مردم، به دیرینه گی روابط افغانستان و هندوستان به عنوان دو کشور همسایه باورمند نبوده؛ این روابط را محصول سالیان پیسن میدانند، در حالیکه این روابط از قرن پانزدهم بین بدخشان و هندوستان به سلسله زرع سلطان محمود غزنوی آبیاری و شکوفا شده است از جمله روابط ادبی- فرهنگی بدخشان و هندوستان و زوایای پنهان این روابط که خیلی روشن نبوده نیاز به تحقیقی داشت تا این ابعاد واضح گردد. این تحقیق، پژوهش مختصری در رابطه به روابط ادبی- فرهنگی بدخشان و هندوستان می باشد.

هدف تحقیق

- 1- بررسی روابط ادبی- فرهنگی بدخشان و هندوستان

ناصر خسرو با درج این مطلب بیان می‌کند که امیر اسد با ذوق و طبع شاعری، دربارش را با شاعران و صاحبان فضل و دانش گرامی می‌داشت.

به استناد ناصر خسرو بدخشان در جغرافیای خراسان دیورور تا افغانستان امروز سرزمین فرهنگ پرور و دیار فضیلت بعد از او علی شیرنویایی شاعر سده پانزدهم در «مجالس النفایس» از لعلی نسل پادشاهان قدیم یاد کرده است به همین‌گونه صدرالدین عینی در اثرش (امیرعلی شیرنویایی) از اداره بدخشان توسط شاهان محلی صحبت نموده است. این نظریه‌ها مستقل بودن بدخشان را تا قرن پانزدهم روایت می‌کند که گویا خود حاکمیت سیاسی داشت.

نگاهی به پیوند ادبی و فرهنگی بدخشان و هندوستان

بعد از تشکیل دولت تیموریان در سر زمین هند، محیط ادبی شبه قاره هند رونق خاص یافت چنان رونقی که شاعران دیار مختلف از جمله بدخشان را به سوی خود کشانیده سبب ایجاد سبک هندی، تذکره نویسی، پیدایش داستان، قصص و حکایت و غزل گردید. از سوی دیگر روابط اقتصادی میان بدخشان و هند نیز زمینه پیوند ایجاد روابط فرهنگی میان ایشان شد؛ چنانچه موقعیت بدخشان در راه ابریشم واقع بوده که از چین به هند می‌رفت و این مزیت زمینیهی برای شهرت لعل بدخشان در سده های پانزدهم الی هژدهم در بازار های هند شد. نزدیکی راه تجارت میان بدخشان و هند سبب ایجاد روابط اقتصادی و مدنی گردید این روابط تا بدانجا استحکام یافت که واژه‌های هندی وارد زبان پامیری شد؛ مثال: بت- بتینکه، پتلون- شیم، واسکت- کلته چه، کرتی- پیدچک، پت- فت (حبیبوف، 1397، ص 10-13) به همین‌گونه چنانکه دشپاندی باستانشناس مشهور هند می‌گوید که روابط هندوستان و افغانستان قدامت بس طولانی دارد.

محصولات تیکری دوره نیولیتیک که به نام (عصر پرستش بز - نیولیتیک) یاد می‌شود به (1800 ق.م.) ارتباط می‌گیرد؛ تیکر دوره نیولیتیک (دره کتر - شمال افغانستان) به وسیله حفر کننده ساحة مذکور به نام (بابه درویش سیاهBaba Darwash Black) نامیده شده است. «بابه درویش سیاه» قریه‌یی است در ولسوالی کشم بدخشان افغانستان، البته این موضوع را عبدالظاهر یوسفزی در مقاله‌یی تحت عنوان نگاه مختصر بر عصر سنگ جدید افغانستان در مجله باستانشناسی افغانستان، شماره اول سال 1361 ش. یادآور شده است و صنایع تیکری این ساحة نشان می‌دهد که از بعضی جهات با صنعت تیکر سازی عصر نیولیتیک ساحة باستانی (بورزاهوم Burzamom کشمیر) شباهت دارد.

www.kabulnath

سرانجام این روابط اقتصادی، استفاده از لباس هند و شنیدن موسیقی هندی را مهیا کرد که خود زمینیهی برای گره بستن روابط فرهنگی میان بدخشان و هندوستان گردید. در کنار روابط فرهنگی، روابط سیاسی این دو سرزمین نیز در آثار مختلف بیان شده است؛ بهترین مثال بنای دولت تیموریان هند از هنر بدخشانیان است. بابر میرزا حاکمیت بدخشان را به دست آورده، بعد از فتح کابل به هند لشکر کشید خود به هند رفت و همایون پسرش حاکم بدخشان بود.

استحکام روابط سیاسی میان بدخشان و هندوستان الی فتح ماوآالنهر به دست شیبانیان ادامه داشت؛ پس از قرن شانزدهم در کنار روابط اقتصادی، روابط سیاسی نیز برقرار شده بود در همین هنگام ایجاد گردان و هنر آفرینان بدخشی با ناهنجاری شرایط دمساز نشده این اوضاع انگیزه رفتن به هند را پروراندید

و امرای تیموریان از جمله بابر، همایون، اکبر، جهانگیر و امثالهم با خصوصیت علم پروری و ادب دوستی این قلم به دستان مهاجر شده را با جبین گشاده و آغوش باز پذیرا شدند.

شاعران مغلی هند در تشویق شاعران سخاوتمندانه مبادرت ورزیدند و چون مقناطیس سریع السیر حلقه‌یی از ادبا را به سوی خود مجذوب کردند؛ جلال الدین اکبر، ابوالفتح و خاقانی در هند تخمی را که سلطان محمود زرع کرده بود، با تشویق و ترغیب شاعران بدخشی به پاسبانی نشستند؛ این حمایت تا بدانجا جولان کرد که شاعران با پیشه گیری تخیل لطیف، فکر تازه و مضمون آفرینی شگرف بنیاد مکتب هندی را طرح ریزی کردند. در قرن شانزدهم حدود هفده شاعر بدخشی رهسپار هند شدند و در دربار تیموریان هند رفته، تعدادی از ایشان به امیرالبحری و وظایف دیگر گماشته شدند که ثبوتی بر ادعای پیوند فرهنگی بین بدخشان و هندوستان است. این شاعران با آنکه از دیار و زادگاه شان (بدخشان) رفتند؛ اما روابط شان را قطع نکردند، بر علاوه اینکه قطع علاقه نکردند ارتباط و مناسبات را میان بدخشان و هندوستان برقرار نیز کردند که در نتیجه حوزه ادبی بدخشان در قرن شانزدهم شامل دو بخش بود، یعنی حوزه ادبی بدخشان و حوزه ادبی هندوستان که در حوزه ادبی هند به سبک آمیخته خراسانی و عراقی، شعر می‌سرودند و به سبک هندی بنابر ملاحظاتی که داشتند، چندان مایل نبودند. از حوزه ادبی بدخشان آثار زیادی در دست نیست با آنهم از جمله شاعران بدخشی قاسم خان موجی منظومه یوسف و زلیخا حاوی (6000) بیت و منظومه لیلی و محنون را نگاشت و میزرا ابراهیم وفایی دو دیوان شعر از خود به میراث ماند وفایی در جواب مثنوی معنوی، مثنوی‌هایی نوشت که شامل 6000 بیت است و شرح (نکات) شاه نعمت الله ولی را نیز رقم زد؛ اصلی و دوستی بدخشی نیز دیوان شعر داشتند که ابیات پراکنده آن در لابلای تذکره ها درج است.

موجودیت اسماعیلیان پونه نیز زمینیهی برای کشانیدن مردمان اسماعیلی مذهب بدخشان به پونه گردید که در تحکیم روابط ایشان بی‌تأثیر نبود. (397، ص 15-28)

در امتداد قرن شانزدهم (قرن هفدهم) نیز بیست تن شاعر از بدخشان به هندوستان رفتند و در دایره‌های ادبی هند جا گرفتند از جمله ملاشاه محمد بدخشی (ملاشاه)، محمد جمیل جمیل، میر محمد ظاهر حسینی، ندیمی بدخشی، میرعلاجی، میر ضیاءالدین حسینی (اسلام خان والا)، سیف خان بدخشی، قبولی بدخشی و دیگران محبوب قلوب هندوستان شدند و روابط فرهنگی بدخشان و هندوستان حلقه اتصال گردیدند. از این شاعران ملاشاه بدخشی، اسلام خان والا، سیف خان و برخی دیگر در تحکیم و ثبات روابط بدخشان و هندوستان نقش ویژه‌یی داشتند، بر علاوه ملاشاه در لاهور (در آنزمان مربوط هند بود) با ملاقات فضلا و شعرا باعث تحکیم مناسبات و دوستی گردید. (حبیبوف، 1397، ص 62-63).

مولانا نیازی بدخشانی، شیخ خلیل الله بدخشی، مولانا عبدالصمد، مولانا رونقی، میراگه بدخشانی شاعرانی اند که از بدخشان به هند رفته، نام‌های شان در لایه‌های تذکره‌ها و کتب تاریخی درج گردیده تا روزگار ما رسیده است.

در قرن هفده زبان پارسی در هند دوره انکشاف سریع داشت و به مثابه زبان رسمی به شمار می‌رفت؛ در دهلی، لکنهو، گجرات، حیدرآباد، کشمیر، آله آباد، پنجاب، بمبی و امثال آن محافل شعر و شاعری برپا می‌شد و بزرگترین شاعران پارسی زبان کلیم، طالب املی، صایب اصفهانی، غنی کشمیری، ناصر

علی سرهندی و دیگران در شمار شاعران قرن هفدهم بودند. مضامین شاعران این قرن را بیشتر موضوعات پند، حکمت، بیان حوادث، واقعات، شرح مناظر طبیعت و شکایت از زندگی ناهنجار تشکیل می‌داد (حبیبوف، 1397، ص 15-148).

در سده هژدهم اوضاع سیاسی بدخشان تغییر یافت و از نیمه سده هفدهم حاکمیت بدخشان منحصر به امیر یاری بیگ سمرقندی افتاد در مورد امیر یاری بیگ مؤلف «تاریخ بدخشان» می‌نویسد «بعضی از مردم پایان، کوتاه اندیشی نموده، شاه عماد نام، مردی را از میان خود میر گرفته، در موضع لای‌آبه برای او قلعه ساختند و هم از این جهت امیر یاری بیگ خان ... دل آزاده گی کرده، کوچیده، به هندوستان رفت ... تمامی مردم به رفتن یاری بیگ خان تأسف تمام خوردند... از هرسو به افسال‌های معتبر ... به طلب امیر به هندوستان فرستادند و امیر در هندوستان ... به مرتبه کلانی و رتبه بزرگی رسیده بود، التماس این کسان ... قبول نکرد ... اما به اصرار این کسان امیر، ناعلاج قبول کرد و عازم گردید» (بدخشی، 1367، ص 5-25 مقدمه) امیر یاری بیگ در بین مردم به مثابه پیر و روحانی قابل احترام و اعتماد بود که ماموریت اداره سیاسی را عهده دار بوده، بعد از تغییرات بسیار بعضی از فرزندان یاری بیگ سلسله یاری بیگ تا اواخر قرن نهم و اوایل قرن بیستم حاکمیت بدخشان را به دست داشتند و آخرین بقایای سلسله یاری بیگ توسط حکومت افغان‌ها در دوره حکومت امیر شیرعلی خان و امیر عبدالرحمن خان خاتمه یافت.

فرزندان یاری بیگ در راستای رشد علم و مدنیت و اقتصاد بدخشان تا حدود زیاد تلاش کردند از جمله در زمان سلطان شاه کبیر (1756-1770) حوزه ادبی بدخشان رونق خاص یافت در قرن هژدهم زمامدار بدخشان سلطان شاه بود که دربارش با حضور شاعران از جمله میرزا عندلیب، میرعبدالرحمن، غیاث الدین خان غیاثی، نظمی، خنجری، عاشق و امثالهم مزین بود. در این سده شاعران زیادی از بدخشان به هندوستان رفتند و باعث تحکیم روابط ادبی فرهنگی شدند. (حبیبوف، 1397، ص 151-153)

در سده هژدهم در کنار حوزه ادبی هندوستان در بدخشان نیز شاعرانی میزیستند که درفش ادب و فرهنگ دیار خویش را با تدویر حلقات ادبی بر دوش می‌کشیدند؛ اما با تأسف که از این شاعران بدخشان و هندوستان آثاری زیاد در دست نیست و در لابلای اشعار پراکنده چنین می‌نماید که این شاعران درباری بیشتر به توصیف سلطنت و مدح حاکمان زمان خود پرداخته اند. در قرن هژدهم روابط فرهنگی و ادبی بدخشان برقرار بود، چنانکه غیاثی که از جرم بدخشان بود به هدف تحصیل عازم هندوستان شد و به خدمت شاه غلام محمد سرهندی که از مشایخ هند بود شتافت و بعد از ختم تحصیل دوباره به اجازه استادش به بدخشان آمد که این خود بیانگر و نشانه تحکیم و انتقال فرهنگ و ادبیات است. دسته دیگر از شاعران مانند شاه دودی، محمد افضل ثابت که نخست به دهلی بعد به الله آباد رفت و در دربار شاهان مغل مرتبت یافت، میر محمد حسین بدخشی به بنارس رفت و به خدمت شیخ محمد علی حزین مشرف شد و در همانجا دیده از جهان بست.

این روابط بیانگر روابط فرهنگی و ادبی بدخشان و هندوستان است از جانب دیگر موجودیت معلومات در زمینه فرهنگ و ادبیات بدخشان و هندوستان در تذکره‌های گوناگون مانند «مذکر الاحباب» حسن نثاری، «تذکره الشعراء» مطربی و «مذکر الاسحاب» ملیحای سمرقندی و آثار دیگری که در هندوستان

تألیف شده است؛ مانند: «طبقات اکبری» نظام الدین اکبر هروی، «منتخب التواریخ» عبدالقادر بدایونی و امثالهم در مورد روابط ادبی هند و ماورالنهر معلومات جالب ارائه می‌دارد (حبیبوف، 1397، ص 151-188).

سبک هندی و شیوه سخن پردازی صایب اصفهانی، ابوطالب، کلیم کاشانی، عرفی شیرازی، طالب آملی و به ویژه میرزا عبدالقادر بیدل در تحکیم روابط ادبی نقش دارد، پس در کل می توان گفت که سبک هندی در پیوند دادن ادبیات بدخشان و روابط ادبی - فرهنگی میان بدخشان و هندوستان نقش بسزا داشت. میرزا عبدالقادر بیدل که بنابر روایت تذکره‌ها در سپاه شاهزاده اعظم پسر اورنگ زیب بوده است و از این راه تأمین معیشت می‌کرد؛ اما شاهزاده از بیدل همیشه طالب مدح بود، از اینکه ابوالمعالی فطرتاً از تملق و مدح گویی چون آینه‌یی صیقل شده پاک و صافی شده است، از این سمت استعفا می‌کند:

ما را هرزه درایی شأن نیست مدح میر و ستایش سلطان نیست

زین دست کلامی که ز ما میشنوی غیر از ایثار خدمت یاران نیست (آرزو، 1381، ص 271)

به همین‌گونه کلیم کاشانی که در دربار شاهجهان، صاحب حرمت شد و از صله و عطای او مستفید شد، وی از شاعرانیست که از هند شکایت نداشت چون از نعمات زندهگی درباری و مقام والا بهره مند بود این شاعر در کشمیر مشغول شرح احوال شاه جهان بود که در همانجا گذشت:

پیری رسید و مستی طبع جوان گذشت ضعف تن از تحمل رطل گران گذشت

وضع زمانه قابل دیدن دوبار نیست رو پس نکرد هر که از این خاکدان گذشت (قهرمان، 1381، ص 92-93)

روابط افغانستان و هندوستان در زمان دولت گورگانی (قرن پانزدهم) با وجود اینکه راه‌های بحری جای راه‌های خشکه قدیم را گرفته بود با آنهم تجارت کشور هند و افغانستان دوام داشت؛ چنانچه در سال‌های (1961) میوه‌های خشک 17% و میوه های تازه 10% صادرات کشور را تشکیل می‌داد و بر علاوه دیگر کشورها، بازارهای هند بهترین مارکیته برای فروش این محصولات به شمار می رفت. به همین‌گونه برای پنبه دانه، حبوبات و نباتات طبی نیز همانند کشورهای دیگر هند بهتر بازار برای این محصولات بود. (غبار، 1382، ص 25 و 277)

میعاد سفر شاعران بدخشی به هندوستان

برخی از شاعران به هندوستان سفر کردند و دوباره به بدخشان آمدند، یعنی مدت کوتاهی در هند بودند. تعداد دیگر در هند تولد شدند؛ مثل متولی ابراهیم، اما این شاعران بدخشی تخلص می کردند. گروه دیگر بخشی از عمر خویش را در بدخشان و قسمت‌های دیگر را در هند گذرانیدند، مثل ملا شاه، محمد افضل، محمد جمیل، اسلام خان والا، سیف خان، محمود بیگ فارغ، میر الهی، همت خان و تعداد دیگر که نیمه نخست عمر شان را در بدخشان و نیمه دوم را در هند (کشمیر) سپری کردند.

ناصر بزمی، میر فهمی و تعداد دیگر به منظور سیر و ساحت یا دلایل دیگر به هند رفتند. در آثار این شاعران واقعات هر دو محل ذکر است به خصوص ملاشاه که طبیعت و باغ و مناظر کشمیر را به خوبی بیان کرده است؛ مانند: رساله «باغ و منازل کشمیر» و به بدخشان نیز توجه دارد و آثار این

شاعران دو جهت بودن شان را نشان می‌دهد که هم منسوب به بدخشان و هم مربوط به هند می‌شوند؛ چنانکه گویند شعر مرز نمی‌شناسد.

ملاشاه در رساله «نسبت» تصویر و خصوصیت سی نوع گل را بیان کرده است و کوه ماران را با نگین بدخشان ذکر می‌کند. ناصح از گجرات، حیدرآباد و کشم بدخشان یاد می‌کند. جمیل بدخشی از کشمیر یاد می‌کند و آن را با زادگاه خود بدخشان مقایسه می‌کند.

روابط ادبی فرهنگی بدخشان و هندوستان به استناد ابیات شاعران

ناصر خسرو قبادیانی بلخی (394-481 هـ.) نشیمن خود را در یمگان بدخشان عین خراسان دانسته است:

مراکان به خراسان زمین یمگانست کسی چرا طلبد در سفر خراسان را (حبیبی، 2138، ص 22-23)

دوستی بدخشی از شاعران قرن شانزدهم بدخشان است که راهی دیار هندوستان گردید؛ وی در این مورد گوید:

چو دوستی سوی هند رفت آن کو از پی مال غریب نیست گرش رنج یاسی پیش آمد

هنوز کام دل او ندید لذت نوش ز روزگار به جانش هزار نیش آمد

عارض بدخشی نیز چنین گوید:

عارضاً، از پی روزی تو مرو جای دیگر آن خدایی که به هند است به بدخشان هم است (حبیبی، 1397، ص 13-14)

عرصه کشمیر دارد ذوق جنات النعیم همچو فردوسش فضا چون روضه رضوان نسیم (حبیبی، 1397، ص 14) از جمیل بدخشی

نمونه شعر از ملا شاه بدخشی:

کوه ماران به کمر لعل بدخشی دارد این چنین بخت کجا تخت سلیمان دارد (حبیبی، 1397، ص 65)

رباعی از ناصح بدخشی:

گجرات که کشم از هوایش رنجور هرگز نشود خرابه او معمور

از مردم بنگی اش چه تعریف کنم باید همه را کشت به زیر ساطور (حبیبی، 1397، ص 111)

ناصر شاعر کشم بدخشان گوید:

در زمان شاه عبدالله، ناصح، به عیش حیدرآباد است در خوبی صفاهان دگر (حبیبی، 1397، ص 11)

جمیل بدخشی در مقایسه بدخشان و هندوستان گوید:

کشمیر مگو، روضه رضوان است این خلدیست که پر لال و ریحان است این

ای دل و گرم یاد بدخشان بدهی نعم البدل ملک بدخشان است این (حبیبی، 1397، ص 9-147)

روابط بدخشان و هندوستان بر روایت تذکره ها و کتب تاریخی

1. در تذکره های حسن نثاری، مطربی، ملیحای سمرقندی و منتخب التواریخ عبدالقادر بدایونی که در هند تألیف شده در

مورد بدخشان و هند صحبت‌هایی درج است؛ مثلاً: حسن نثاری در تذکره «مذکر الاحباب» تذکره نویسنده قرن

شانزدهم در مورد نیازی بدخشانی و رفتنش به هند روایت کرده است که نیازی بدخشانی به هند رفت و به خدمت

«بیرم خان» مشرف شد در همین تذکره وقایع مولانا مجلسی و زنده‌گی‌اش بیان شده است؛ حسن نثاری از

سلیمان میرزا و پسرش ابراهیم میرزا معلومات داده که به یاری و مدد بابر به حاکمیت بدخشان رسید. (حبیبی، 1397، ص 29-30)

2. ریاض العارفین از رضاقلی هدایت: در رابطه به ملا بدخشی و منصب شیخی او معلوماتی را ارائه می‌دارد که بیانگر روابط فرهنگی و ادبی بدخشان است. (حبیبی، 1397، ص 14).

3. تذکره «مرآة الخیال» از شیر خان ابن علی احمد خان لودی در مورد ملاشاه بدخشی گفته است که به فضل و دانش و کیاست آراسته بود واصل زادگاهش بدخشان است. (حبیبی، 1397، ص 64)

4. در تذکره «کلمة الشعرا» محمد افضل سرخوش از ملاشاه بدخشی دو بار ذکر شده است به همین‌گونه حشمت تذکره نویسنده قرن نهم بخارا و محمد طاهر نصر آبادی اصفهانی در مورد ملا شاه که در هند منصب یافت و زادگاه اصلی‌اش بدخشان بود، معلومات داده است. ملا شاه بنابر روایتی در منطقه رکسای ولسوالی رستاق ولایت بدخشان دیده به جهان باز کرد (افضلی، 1393، ص 287).

(حبیبی، 1397، ص 14-67).

5. محمد اعظم خان فرزند خیرالزمان خان مؤلف «تاریخ کشمیری» در مورد ملاشاه و نگارش‌های پژوهشی‌یی که در هند تألیف شده است، صحبت نموده است (حبیبی، 1397، ص 70).

6. «هفت اقلیم» تألیف امیر احمد رازی سخنانی در رابطه به ملا محمد صالح ندیمی فرزند خواجه علی بتوانی شاعر قرن هفدهم بدخشان که به کشمیر هند رفته بود، ضمن معلومات وی را شاعر دربار شاه جهان قلمداد کرده است. (حبیبی، 1397، ص 114).

7. «تذکره الشعرا کشمیری» و «تذکره روز روشن» از حسین صبا در مورد محمود بیک شاعر قرن هفدهم بدخشان سخن ها دارد. (حبیبی، 1397، ص 118).

8. تذکره «شمع انجمن» تألیف حسن خان، میر ضیاءالدین بدخشی متخلص به والا را معرفی می‌دارد. (حبیبی، 1397، ص 119).

9. مؤلف «نشتر عشق» حسین قلی خان عظیم آبادی در استعداد کاشفی شاعر قرن هفدهم بدخشان که به هند رفته بود ضمن معرفی او را «کاشف اسرار سخن» دانسته است. (حبیبی، 1397، ص 124).

10. عبدالحکیم رستاقی در تذکره «چراغ انجمن» رباعیاتی از عبدالله شاعر قرن هفدهم بدخشان را که با پدرش محمد نعمات بدخشی به هند رفته و در آنجا میزیست؛ یادداشت کرده است. (حبیبی، 1397، ص 127).

11. مؤلف «بحر الاسرار» نیز اشعار بزمی را درج کرده، در مورد ملا نظمی بدخشی معلوماتی درج است. این شاعر «اخلاق محسنی» را که حسین واعظ در نثر نگاشته بود؛ به رشته نظم در آورد (حبیبی، 1397، ص 114-128).

12. علامه حکیم ابوریحان محمد بن احمد بیرونی شاعر قرن پنجم در «کتاب الهند» قرب و جوار بدخشان با هندوستان از اسامی و القاب شاهان بلور و شغنان و واخان نام می‌برد که در منابع دیگر ذکر نشده است. (همایون، 13)

13. کتاب «همایون نامه» از «گلبدن بیگم» دختر بابر می‌باشد که به فرمان جلال الدین اکبر احوال همایون را تحریر

نمود. همایون چند سال در بدخشان حکومت کرد و بعد از او حکومت به بزرگان بدخشی سپرده شد. این کتاب چون به قلم یک زن رقم زده شده است، دارای اهمیت بسزا می باشد. همایون نامه یکبار در هند به چاپ رسید (همایون، ب ت، ص 9- پانزدهم).

14. تاریخ بدخشان: یکی از کتب معتبر در زمینه تاریخ بدخشان می باشد؛ در جریان این تحقیق آنچه برایم خیلی مهم و دستاورد ارزشمند بود، دانستن نام مؤلف اصلی تاریخ بدخشان است. این کتاب تألیف محمد رضای بدخشی است وی در حلقات سیاسی حضور می داشت و در ایام میر محمد شاه واقعات را از سال (1068-1223 هـ.) نوشت؛ بعداً افضل بیگ سرخ افسر تا تاریخ (1325 هـ.ق) رسانیده، واقعات (102) ساله را بر آن افزود این کتاب توسط بلایرف دانشمند روسی در (1909 م.) در لنیننگراد به صورت عکسی با مقدمه روسی چاپ شد. موضوع مهم و درخور اهمیت نام مؤلف کتاب است که افضل علی بیگ سرخ افسر مؤلف کتاب را تشخیص نداده است و آن را به سنگ محمد که شاید یکی از منابع محمد رضای بدخشی باشد، نسبت داده شده است؛ بعد از او یلدیرف نیز اشتباه او را تعقیب کرده کتاب تاریخ بدخشان را به نام سنگ محمد بدخشی تکرار کرد. این استاد فقید می نویسد: «نویسنده این سطور این روشن را در تاریخ بدخشان انداخته است؛ زیرا تاریخ بدخشان اصلی محمد رضای بدخشی را در سفر بدخشان خود کشف نمود و بر اثر مقایسه هر دو کتاب به این نتیجه رسید که سرخ افسر و یلدیرف در تثبیت مؤلف تاریخ بدخشان سهو نموده اند» (همایون، تاریخ ادبیات، ب ت، ص 1 و ص 16) این موضوع را مرحوم سرور همایون استاد فقید دپارتمنت پارسی دری پوهنتون کابل به قلم خود نگاشته است.

روابط شاهان، شاعران، علما و فضلا

1. ملانشاه بدخشی را شاه جهان در حدی گرامی می داشت که می گفت: در هندوستان دو شاه وجود دارد یکی شاه جهان و دیگر ملانشاه. (حبیبوف، 1397، ص 65)
2. محمد هاشم پسر خواجه قاسم کشمی در خدمت میر غلام بود در سال 1031-1621 مجد الف ثانی (شیخ احمد سرهنندی) وی را به سرهند دعوت کرد و در آنجا به منصب خلافت رسید. محمد هاشم مدتی در گجرات در کنار شاعران دربار عبدالرحیم خان خانانان نیز بود وی در گل کنده هند میزیست. (حبیبوف، 1397، ص 113).
3. میر ضیاءالدین حسینی بدخشی به خدمت اورنگ زیب عالمگیر رفت و با رسیدن به موقف اعلی از این شاه شاعر پرور القاب «همت خان»، «معظم خان» و «اسلام خان» را گرفت، حسینی بدخشی به صوبه داری نیز منصوب شد. شد (حبیبوف، 1397، ص 119).
4. ابراهیم بدخشی که پدرش به هند رفته بود و این شاعر در هند دیده به جهان گشود در دربار اورنگ زیب عالمگیر، شاه هندوستان بود. (حبیبوف، 1397، ص 143).
5. سیف خان بدخشی که داماد اسلام خان بود از امرای پیشگام و عزیز شاه جهان بود.
6. میر الهی بدخشی روابط خوب با دربار جهانگیر و شاه جهان داشت. (حبیبوف، 1397، ص 143-144)

7. قبولی بدخشی در کشمیر نزد قاسم خان کشمیری مخلص و میرزا دارا بیگ شاگردی کرد.
 8. ندیمی بدخشی با شاعران حوزه ادبی کشمیر؛ مانند: روشنی، گلنشی، مشتری و مهر مصاحبت داشت.
 9. محمد طاهر حسینی با ظفر خان دوستی داشت و میر الهی بدخشی در محافل ادبی ظفر خان حاکم شاعر پرور اشتراک میکرد. (حبیبوف، 1397، ص 65-144)
 10. مولانا محمد صدیق بدخشی شاعری که قریحه خوش داشت و به درگاه سرهند رفته بود. (افضلی، 1393، ص 316)
- نتیجه گیری:** موجودیت حوزه ادبی در هر دوره ای تأثیر خاص خود را در ایجاد و تحکیم روابط کشورها دارد. در قرن شانزدهم نیز تا اندازه ای مخالفت های فیودالی داخلی سرکوب شده بود و عبدالله خان ثانی (1557-1598) ماوالنهر، خوارزم و خراسان را متحد گردانید و یک دولت متحد و آرام را تا اندازه ای تأمین گردانید که برای پیشرفت تجارت و آبادانی زمینه خوبی فراهم گردید و در نتیجه زمینه حیات مدنی و ادبی در حوزه بخارا را شخصیت های بزرگ مانند عبدالرحمن، خواجه حسن نثاری، ذوقی و دیگران رونق خاص داد بر علاوه در جمع این شاعران حوزه ادبی نماینده گان هندوستان و بدخشان و شمار دیگر موجود بودند. پیدایش و نفوذ این حوزه ادبی در تأمین روابط با هندوستان تأثیر داشت و مناسبات هند و بدخشان را استحکام بخشید این روابط تا قرن های هفدهم و هژدهم خیلی نزدیک بود و در حدود 50 فیصد شاعران حوزه کشمیر را شاعران بدخشان تشکیل می داد و باعث شد تا هر شاعر بدخشی با یکی از شاعران پارسی زبان هند مناسبات دوستانه داشته باشد و تحت نظر شاعران هندوستان نشو و نما کند به همین گونه برخی از شاعران هندی نیز نزد شاعران بدخشان تحصیل ادب و تبادل فرهنگ کردند از جمله عبدالغنی قبولی، ملانشاه بدخشی، ندیمی و تعداد دیگر می باشند که هر یک اینها به چندین شاعر هندی درس ادب آموخته اند؛ فرض مثال: ملا شاه بدخشی با میان میر لاهوری، سیف خان بدخشی، ناصر علی سرهنندی، غیاتی بدخشی، غلام معصوم سرهنندی و دیگران شاهدی بر مناسبات شاعران بدخشان و هندوستان می باشند. راه های ایجاد روابط ادبی - فرهنگی میان بدخشان و هندوستان زیاد بود از جمله: روابط سیاسی، روابط اقتصادی، سیر و سیاحت، قرابت تیموریان هند با تیموریان بدخشان، رفتن شاعران بدخشان به دربار شاهان هندوستان، یکی از مزایای این روابط فرهنگی و ادبی همزبانی شاعران بدخشان و هندوستان می باشد. ادبیات پارسی دری به خصوص بعد از سلاله تیموریان هند از قرن شانزدهم تا نیمه قرن نوزدهم رو به ترقی سریع نهاده بود. سبک و اسلوب هندی به ادبیات قرن هفدهم الی نوزدهم بر ماورالنهر تأثیر بسزا گذاشته بود به خصوص سبک هندی و شیوه سخن پردازی صایب اصفهانی، ابوطالب، کلیم کاشانی، عرفی شیرازی، طالب آملی و به ویژه میرزا عبدالقادر بیدل، پس در کل می توان گفت که سبک هندی در پیوند دادن ادبیات بدخشان و روابط ادبی - فرهنگی میان بدخشان و هندوستان نقش بسزا داشت. روزنامه های هندوستان نیز با نشر معرفی نامه های شاعران و فضلالی بخارا راهی برای تحکیم روابط را باز کرده بود.
- به استناد شواهد و مدارک دلایل روابط ادبی - فرهنگی بدخشان که در ذیل بیان گردیده است زمینه روابط ادبی - فرهنگی میان بدخشان و هندوستان گردید و آثار علمی و ادبی،

- معماری، هنری و موسیقی دوره بابر و شاهان بعد از او محصول درایت و هنرمندی شاعران بدخشان و هندوستان است:
1. موقعیت جغرافیایی بدخشان: چون بدخشان در راه ابریشم موقعیت دارد و این راه یکی از راه‌های تجارتي بود به خصوص لعل بدخشان از طریق این راه تجارتي شهرت بسزا یافت.
 2. نزدیک بودن راه تجارتي بدخشان به هندوستان، چترال (حالا در پاکستان واقع است) یکی از مراکز داد و ستد تجارب به شمار می‌رفت و زمینه‌ی برای فراهم آوری روابط ادبی _ فرهنگی میان بدخشان و هندوستان گردید.
 3. آغاز دولت هند (بابر میرزا) از بدخشان به کابل و از آنجا به هند گسترش یافت و روابط بابر و تیموریان هند با بدخشان مستحکم‌تر گردید.
 4. منازعه اهل تسنن و تشیع و جنگ و جدال شاه عباس صفوی و منازعه ایشان باعث شد تا کار شاعران در هم ریخته و آنان به هند رو بیاورند.
 5. آبادی و بر و بار هندوستان و توقع شاعران به زنده‌گی مرفه و فضای آرام باعث شد تعداد زیاد از هنر آفرینان از بدخشان به هندوستان بروند.
 6. قدرشناسی، ادب پروری و هنر پروری امرای تیموری و مغل حلقه شاعران بدخشی را در هندوستان وسیع تر ساخت.
 7. سخاوت‌مندی شاهان هندوستان در مورد شاعران بدخشی
 8. موجودیت بازار گرم شعرا و فضلا در هندوستان
 9. ایجاد سبک نو (سبک هندی) باعث علاقه‌مندی شاعران شد تا به هندوستان رفته، با طبع آزمایی های ظریف هنرمندی خود را در هندوستان به نمایش بگذارند.
 10. عقیده و باور مذهبی اسماعیلیان که مرکز شان در هندوستان بمبی/ پونه بود باعث شده تعداد زیادی را از بدخشان به سوی هندوستان بکشاند.

فهرست منابع

1. آرزو، غفور. (1381). خوشه‌هایی از جهان بینی بیدل. مشهد: انتشارات ترانه.
2. افضلی، محمد الله. (1393). عرفای افغانستان در هند. کابل: انتشارات مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه ج.ا.ا.
3. بدخشی، میرزا سنگ. (1367). تاریخ بدخشان با تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده. موسسه فرهنگی جهانگیری {نسخه الکترونیکی}
4. حبیبوف، امیر بیگ. (1397). از تاریخ روابط بدخشان با هندوستان. برگردان احمد نجیب بیضایی. کابل: انتشارات امیری
5. حبیبی، عبدالحی. (1382). جغرافیای تاریخی افغانستان. پشاور: انتشارات میوند
6. غبار، غلام محمد. (1382). افغانستان در مسیر تاریخ. کابل: انتشارات میوند
7. قهرمان، محمد. (1381). برگزیده اشعار صایب و دیگر شعرای معروف سبک هندی. چاپ دوم. ایران: دانشگاه سمت
8. همایون، سرور. (ب ت). تاریخ و ادبیات بدخشان. کابل: پوهنتون کابل
9. انترنت سایت www.kabulnath